



ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART II

Middle Eastern Studies

Thursday 7 June 2012 13.30 – 16.30

MES. 35 THEMES IN PERSIAN LITERATURE

Answer **two** questions from Section A and **one** question from Section B.

*Write your number **not** your name on the cover sheet of each answer booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS

*20 Page Answer Book x 1
Rough Work Pad*

SPECIAL REQUIREMENTS

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed that you may do so by the Invigilator.

SECTION A

Choose **two** of the following for translation and analysis [66 marks]:

1. Translate the following **seen** passage into **English** [15 marks] and analyse it by (a) giving the metre of the poem and (b) commenting on how the imagery used in the passage influences our understanding of its contents [18 marks]:

در کوی خرابات کسی را که نیازست
هشیاری و مستیش همه عین نمازست

آنجا پذیرند صلاح و ورع امروز
آنچ از تو پذیرند در آن کوی نیازست

اسرار خرابات بجز مست نداند
هشیار چدداند که درین کوی چهرازست

تا مستی رندان خرابات بدیدم
دیدم بحقیقت که جزین کار مجاز است

خواهی که درون حرم عشق خرامی
در میکده بنشین کهره کعبه دراز است

هان تا ننهی پای درین راه بیازی
زیرا که درین راه بسی شیب و فراز است

از میکده ها ناله دلسوز برآمد
در زمزمه عشق ندانم که چه ساز است

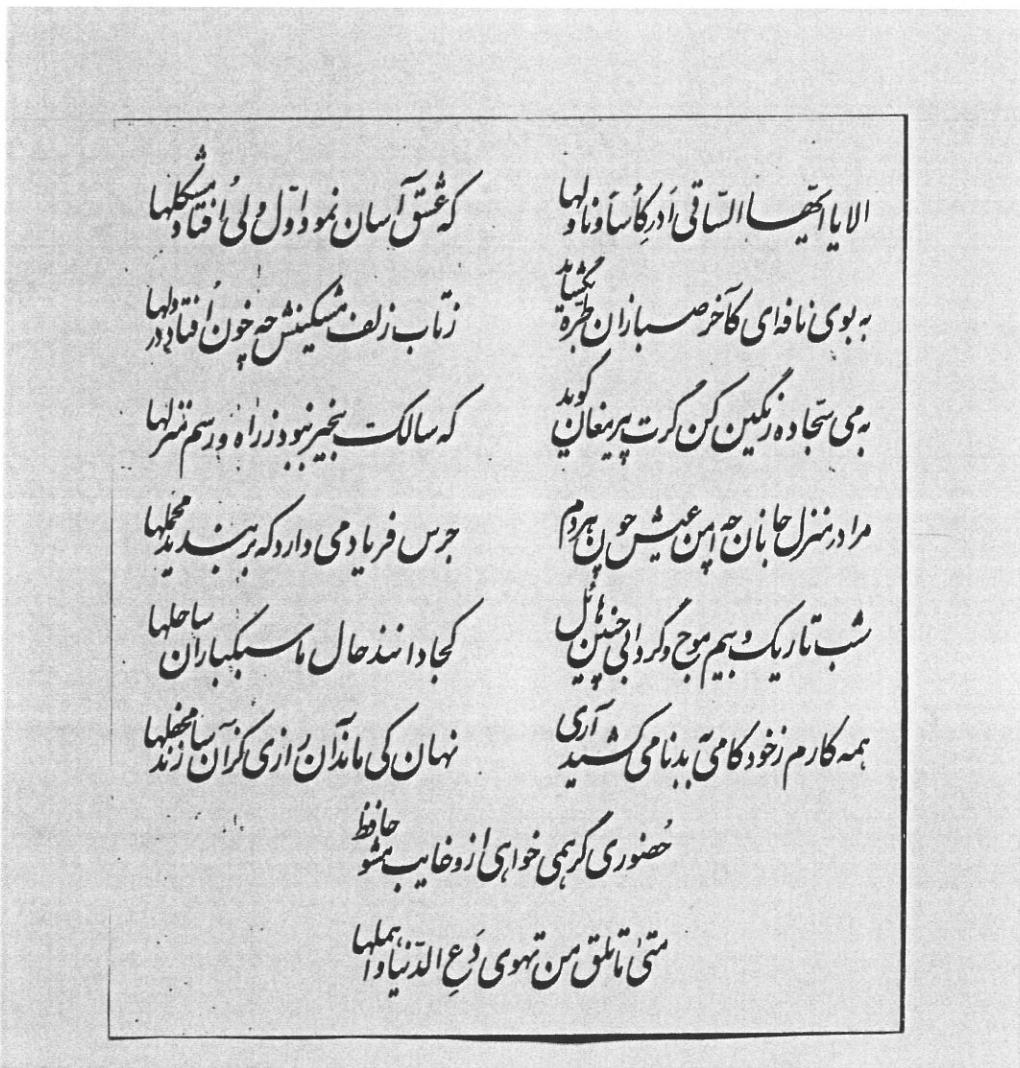
ز آن شعله که از روی بنان حسن توفروخت
جان همه مشتاقان در سوز و گداز است

چون بر در میخانه مرا بار ندادند
رفتم بدر صومعه ، دیدم که فراز است

آواز ز میخانه برآمد که عراقی
درباز تو خود را که در میکده باز است!

Eraqi, "Ku-ye Kharabat", *Ganj-e Sokhan*, vol. 2, ed. Dh. Safa, Tehran, 1339, pp. 150-1.

2. Translate the following **seen** passage into **English** [15 marks] and analyse it by (a) giving the metre of the poem and (b) discussing the place of this *ghazal* within the *Divan-e Hafez* as a whole [18 marks]:



Hafez, "Ghazal 1," *Divan-e Hafez*, ed. H. Elahi Ghomshe'i, Tehran, 1367, p. 33.

(TURN OVER)

3. Translate the following **seen** passage into **English** [15 marks] and analyse it by (a) giving the metre of the poem and (b) commenting on the imagery used by the poet [18 marks]:

۶۶۰	مرا خورشید کرد آبستن از دور بُدم در بِسْتِرِ خورشید پُر نور نه آینِ عروسی بود و نه سُور گذشته مادرانم نیز مَسْتُور	به دهقانِ کَدِیور گفت انگور کمایش از صد و هفتاد شد روز میان ما، نه عَقدی، نه نِکاحی نبودم سخت مَسْتُور و نبودند
۶۶۵	سیاه و سرنگونم کرد و مَنْدُور رُخ من بود چون پیراهنِ حور سیاه و لَفْجِن و تاریک و رنجور همی درَد بهمن بر پوست زبور	شدم آبستن از خورشید روشن خداوندم نَکال عَالَمَین کرد من از اول بهشتیوار بودم خداوندم زَبَانِ روی کرده است
۶۷۰	بگیری خنجری مانند ساطور نشانی مر مرا بر پشتِ مُزدور دو گتف من بُسْبَانی چو شاپور ز پشت و گردن مُزدور و ناطور	گُماریده است زنburان بهمن بر همی خواهم من ای دهقان که امروز به خنجرِ حَنْجَرِ من باز بُری بکویی زیر پایِ خویش خُردم

Manuchehri Damghani, *Divan*, ed. M. Dabirsyaqi, Tehran, 1370, p. 47.

4. Translate the following **seen** passage into English [15 marks] and comment on Koshvad's criticism of Arash's action [18 marks].

۱ ناگاه می ماند؛ بوی سبزه و نم او را هشدار داده است. و آرش می نگرد که دیریست تا در مه فرو رفته است. پس کمان را با دو دست می گیرد. گوشهاش را تیز می کند از آنجاکه نمی بیند. بانگ پایی سهمگین؛ ٹند واپس می نگرد—آنک مردی پیش می آید ... تناور چون درختی، و بر او برف زمستانی نشسته. راست؛ با آتشان چشمانش؛ با اندامش که گرم می لرزد. او در آرش می نگرد، ژرف، خیره، با نگاهش دلوز؛ و آتش گفتارش زبانه می کشد: ای آرش مگذار تا برایشان امید شوی!

۵

آرش در او نمی نگرد؛ ور کشود را شناخته است: ای مرد، من تو را نمی شناسم؛ با این همه بدان که دل من اینک در سینه تنگی گرفته است.

۱۰ و مرد که سخن‌بُرندۀ تر از تبرهای جنگاوران بود می گوید: ای آرش، این رهایی جاودانه نیست. هر پیمان روزی شکسته خواهد شد. در چنان روز تو کجا خواهی بود؟ [و او – آرش – لبها فرو بسته!] – ای آرش تنگکاهها در پیش است. اگر تو آنها را برهانی امید خواهی شد؛ این کاری سترگ و سهم آور است! امید که در هر گدار سخت مردی خواهد آمد، آنان را تن آسان می کند! در هر تنگی ایشان چشم می گردانند تا برگزیده کیست، و خود بر جای نشسته!

۱۵ آرش می گوید: سخنات به تیری می ماند که بر ریشه می زند.

مرد گوید: تیر تو ایشان را یک بار رها خواهد کرد، ورکه تا همیشه به بند خواهد کشید.

آرش می شکوهد – و می شنود: تو تخمی نمی پراکنی که در همه جا سر برآورد. تو خواهی رُست؛ چونان درخت که در زستان می میرد و در بهار دوباره می روید.

۲۰ آرش با همه اندوه خود رو به سوی دیگر کرد؛ به آن دُرشت کوه؛ دماوند بلند، و او را همچنان چشم به راه دید بر جای ایستاده. پس به مرد نگریست و او را دگر ندید.

SECTION B. Answer **one** of the following essay questions [34 marks]:

1. Compare and contrast Sadeq Hedayat's *Parvin Dokhtar-e Sasan* with Bahram Beyzaie's *Death of Yazdgerd* focusing in particular on their attitude towards 'archaist nationalism'.
2. Compare and contrast the couple in Bahram Beyzaie's *Kalagh* with the couple in Gholamhosein Sa'edi's *Mah-e Asal*.
3. Discuss the use and significance of wine-imagery in mystical poems with examples.
4. How does Walter Benjamin's *The Task of the Translator* help us in our critical assessment of translations of Hafez's *Ghazal* nr 3?

END OF PAPER